

باغی برای موزه هنرهای بدوی

نگاهی به باغ «برانلی»، اثر ژیل کلمان



تصویر ۱: دید هوایی باغ
موزه برانلی از فراز برج ایفل،
منطقه هفت پاریس / مأخذ:
www.dudziak.com

تصویر ۲: پلان باغ ساحلی
برانلی / مأخذ:
Les jardins du musée du
Quai Branly, 2009

A garden for museum of primitive arts
An over review on "Branly garden" designed by Gilles Clement



Abstract: The Musée Des Arts Premiers (the Primitive Arts Museum) was established in the summer of 1998 upon the request of the President of the French Republic Jacques Chirac as a place to promote dialog among cultures and display the forgotten civilizations of Asia, Africa, the Americas, and Oceania. In an agreement with the government of Lionel Jospin, Chirac chose a field of State located 29/55, Quai Branly in Paris (7th) for the implementation of the project. In the heart of Paris's museum land, neighboring the Louvre and the Musée d'Orsay, a few minutes from the Grand and Petit Palais, the Palais de Tokyo and the Musée d'art moderne de la Ville de Paris, the Musée du quai Branly has an exceptional location on the banks of the River Seine, at the foot of the Eiffel Tower. The Musée du quai Branly is an innovative cultural institution, museum, educational and research centre, and public living space all in one. Built on one of the last available sites in the heart of Paris, the architectural design of this original project is the work of Jean Nouvel. A commission was established to study the proper location, access, and city identity. It concluded the Musée du quai Branly be located on the banks of the River Seine with an area of 25,000 square meters. Designer Jean Nouvel allocated the major part of the land to open spaces and gardens. The museum complex contains several buildings and stands above the site's surface. Gilles Clement¹ was asked to design the exterior area of the Quai Branly garden. Best known as the designer of original public parks and gardens in France, Clement introduces the progression of ecology in his gardens using symbolism and metaphors as his plantings are designed to move with growth phases. "The main objective," writes Clement, "is to encourage biological diversity, a source of wonder and our guarantee for the future." This article is aimed at reviewing Clement's approaches in designing this project based on his concepts in the Quai Branly Museum.

Keywords: Gilles Clement, symbolism, Quai Branly Museum



آرزو منشی‌زاده، پژوهشگر
دکتری معماری، دانشگاه
گرونوبل، فرانسه.

Arezou monshizade,
PH.D candidate in
architecture, university of
Grenoble.
arezou_monshizade@yahoo.com

چکیده: افتتاح موزه هنرهای بدوی (musée des arts premiers) در تابستان ۲۰۰۶ در پاریس، تحقق رویایی قدیمی است که به دنبال درخواست «ژاک شیراک»، رئیس جمهور وقت فرانسه، با هدف اختصاص مکانی برای گفتگوی فرهنگ‌ها و به نمایش گذاشتن هنر و تمدن‌های فراموش شده حوزه آسیا، آفریقا، آمریکا و اقیانوسیه، به اجرا در آمد. پاریس، شهری است که تا پیش از این میزبان موزه‌های هنری بزرگی چون «ورسای»، «هنر مدرن پمپیدو» و «هنرهای ملی آسیا» بوده است. طراحی این پروژه نسبتاً عظیم و قابل توجه، از طریق یک مسابقه بین‌المللی به ژان نوول (Jean Nouvel) معمار مشهور فرانسوی سپرده شد. با توجه به نیازهای خاص پروژه همچون توجه به هویت شهری، دسترسی و مکان‌یابی مناسب، سایتی به مساحت ۲۵۰۰۰ متر مربع در کنار برج ایفل و در حاشیه رودخانه «سن» برای آن مدنظر گرفته شد. «ژان نوول»، بخش بزرگی از سایت (در حدود ۱۷۵۰۰ مترمربع) را به فضای باز و باغی عمومی اختصاص داد تا به این ترتیب موزه با زندگی شهر و منطقه ویژه اطرافش ارتباط مناسبی برقرار سازد. به این منظور حجم موزه به صورت پیلوت، بالاتر از سطح سایت در نظر گرفته شد و طراحی محوطه خارجی موزه یعنی باغ «ساحل برانلی» (Quai Branly) به معمار منظر "ژیل کلمان" محول گردید.^۱ ژیل کلمان در طراحی این باغ که از آخرین پروژه‌های اجرا شده وی نیز به شمار می‌رود به بهترین نحو از پتانسیل نهفته در گیاهان متنوع برای رساندن مفاهیم مورد نظر در طراحی پروژه‌های با این حجم بالا از استعاره و نمادپردازی بهره برده است. این نوشتار در پی آن است تا از ورای نقد و نگاه به کلیت طرح در کنار خرد فضاهای متنوع شکل گرفته در باغ موزه برانلی، رویکردهای کلمان را در طراحی این پروژه مورد نقد و کاوش قرار دهد.

واژگان کلیدی: ژیل کلمان، سمبلیسم، باغ موزه برانلی

اقلیمی این ناحیه از فرانسه، دوام بیاورند. در مجموع، کلمان از ۱۶۹ گونه درخت و ۳۹ گونه گیاهی در طراحی این باغ استفاده کرد:

"برای انتخاب گیاهان، غالباً با طبیعت سایت و شرایط اقلیمی هماهنگ می‌شوم. من از گیاهانی که خیلی شکننده‌اند و به مراقبت زیاد و سم‌پاشی نیاز دارند، استفاده نمی‌کنم. سپس، گیاه، متناسب با فضا، پرسپکتیوهای خاص، حضور و شفافیت مورد نیاز و در نهایت بر اساس فصول و برگ‌ها انتخاب می‌شود. در واقع باغ، بعد از ۵ سال شکلی به خود می‌گیرد و بعد از گذشت یک قرن با توده انبوهی از درختان بلوط به نتیجه مورد انتظار می‌رسد و تنها آن موقع است که می‌تواند مورد قضاوت قرار گیرد."

کلمان برای بازی با ادراک بصری مخاطبین، باغ‌های مینیاتوری را شکل می‌دهد که نگاه را به سمت سادگی، کوچکی و جزئیات سوق می‌دهند. او با استفاده از گیاهان علفی بلند با ساقه‌های نرم که با کمترین باد به حرکت در می‌آیند، و همچنین گونه‌های معمولی و خودرو، منظره وحشی را در مجموعه‌ای نظم‌یافته به تصویر می‌کشد؛ در جبهه شمالی و سمت رود سن از درختان بلند، افرا و بلوط‌های چتری و در سمت جنوب، در راستای خیابان دانشگاه، از پوشش‌های گیاهی کوتاه و درختچه‌های گلدار گیلان و مگنولیا بهره می‌گیرد.

طراحی باغ برانلی و ارتباط با شهر

از آنجا که در باغ به روی عموم مردم گشوده است و در ایده اولیه، به عنوان عضوی از موزه در اختیار فضای شهری قرار گرفته، هیچ اثری از نرده، حصارکشی محسوس، سردر یادمانی یا پلکان خاص ورودی وجود ندارد. باغ میان خیابان دانشگاه و کناره ساحلی رود سن محصور شده است. در جبهه شمالی، جدارهای شیشه‌ای، ارتباط بصری با مجموعه را حفظ می‌کند و در عین حال نقش محافظ و عایق صوتی در حاشیه رود سن را بازی می‌کند. طرف دیگر باغ که به خیابان دانشگاه محدود می‌شود با سه لایه متشکل از دیواره‌های کوتاه، برکه آب و بافت در هم تنیده شده از میله‌هایی به شکل نی تشکیل شده، با حفظ رابطه بصری، نوعی مانع فیزیکی نامحسوس به حساب می‌آید. به این ترتیب بازدیدکننده با عبور از باغ به گیشه بلیط و ورودی موزه که در زیر پیلوت قرار گرفته، می‌رسد.

باغ مجموعه‌ای از مسیرها و گره‌های کوچک به عنوان مکان‌های مکث و توقف است که با بخش‌های متنوعی همچون باغ خزه‌ها، تئاتر سبز و گلزار آله‌ها شکل گرفته است. در بخش غربی، تئاتر روبازی که متصل به فضای داخلی موزه است برای فعالیت‌های تابستانی طراحی شده است.

باغ در مقیاس کلان که از ارتفاع برج ایفل قابل رؤیت است، دارای پتانسیل بصری لازم برای صدها بازدیدکننده‌ای است که روزانه از این برج برای دیدن شهر پاریس، بالا می‌روند. در واقع، طراحی خطوط منحنی در تقابل با خطوط صاف و مستقیم بافت اطراف، نوعی تضاد شکلی و مفهومی ایجاد می‌کند.

باغ عمودی

موزه طراحی شده توسط «ژان نوول»، نماهای کاملاً متنوعی دارد. در یک جبهه، جعبه‌هایی با رنگ‌های گرم وجود دارد که از سطح نما خارج شده‌اند و از داخل نقش فضاهای نمایشگاهی غارمانندی را بازی می‌کنند، جبهه دیگر جدارهای از تیغه‌های افقی و در نهایت دیواره‌های سبز تعبیه شده است که جداره شیشه‌ای جبهه شمالی موزه را به نمای سنگی بنای مجاور پیوند می‌دهد. در مقابل طراحی افقی ژیل کلمان، این جداره سبز با عنوان باغ عمودی توسط «پاتریک بلان»^۵ طراحی و اجرا شده است.

جداره پوشیده از گیاهان که وسعتی برابر ۸۰۰ مترمربع دارد، با ۱۵ هزار گیاه مختلف و بیش از ۱۵۰ گونه مختلف ژاپنی، چینی، آمریکایی و اروپای مرکزی اجرا شده است. پاتریک بلان، طراح منظر و محقق آزمایشگاه اکولوژی گرمسیری موزه ملی تاریخ طبیعی پاریس، مایل به ایجاد فضایی شبیه جنگل‌های گرمسیری با گونه‌های متنوع گیاهی است که قادر به چسبیدن به تنه درخت و جداره‌های سنگی باشند. به همین منظور از گیاهانی استفاده می‌کند که در سطوح پایین و زیردرختان جنگلی رشد می‌کنند، از نظر اقتصادی و انرژی به صرفه به منابع کمتری نیاز دارند و همچنین مقاوم‌تر و متنوع‌تر از بقیه گونه‌ها هستند؛ نمایی در هم پیچیده از گیاهان، خزه‌ها، گونه‌های خاردار، زبر، نرم، سخت و اسفنجی. سیستم آبیاری این گیاهان از طریق

نگاه طراح

ژیل کلمان، معمار منظر مشهور فرانسوی که در پرونده خود، طراحی پارک‌هایی چون آندره سیتروئن^۲ پاریس، صومعه الوار^۳ و محوطه تاق بزرگ لادفانس^۴ را دارد، معتقد است که علی‌رغم معماران، طراح منظر برای مداخله و لمس مواد و مصالحی که به کار می‌برد، باید در سایت حضور مداوم داشته باشد: "برای شروع طرح، با ورود به یک مکان، به نور، شدت صداها، عمق فضا توجه می‌کنم. البته اینها برای ایجاد فرمی بدیع که الهام گرفته از فرم‌های پیش پا افتاده و تقلیدی نباشد، کافی نیست. از زیباسازی بی‌دلیل جلوگیری می‌کنم و بیشتر بر مفاهیم تاکید دارم."

ژیل کلمان درباره طرح و شیوه کارش در باغ "موزه برنلی" چنین می‌گوید:

«در باغ‌موزه برانلی، هدف اصلی، طراحی باغی با مفهوم موزه‌ای بود که از هنرهای مقدس و تمدن‌های آنیمیسیت^۵ (جان‌گرا) حرف می‌زند؛ تمدن‌هایی که برای همه اشیاء روح قائل می‌شوند. این تصویر، مرا به سوی چشم‌اندازی غیر غربی، فاقد چمن و پرسپکتیو هدایت کرد. من فضایی را پوشیده از گیاهان علفی، به شکل موج با جاده‌هایی مجسم کردم که به صورت طبیعی و فرسایشی در اثر حرکت انسان و حیوان در طبیعت ایجاد می‌شود، از سمبلی چون لاک‌پشت استفاده شد که بتواند به خطوط و فضاهای مکث و توقف شکل دهد، همچنین نقوش حیوانات، صدف و گیاهان مقدس و محافظت شده در برخی از آیین‌ها بکار گرفته شد تا بتواند مخاطب را به نگاه کردن، وا دارند."

سمبلیسم در باغ برانلی

با گسستن از اصول باغسازی فرانسوی، باغ‌موزه برانلی در قلب مجموعه هوسمانی پاریس، با خطوط و مسیرهای منحنی، تپه‌های پوشیده شده از گیاهان علفی که امواج نور را شدت می‌بخشند، منظره وحشی را تداعی می‌کند، با فضایی غیرقابل انتظار که با مفهوم جشن و بازی، رویا و شعر و با رمز و اسطوره پیوند برقرار می‌کند. پلان باغ با الهام از فرم لاک‌پشت طراحی شده است که از نظر سمبلیک در جهان بینی آنیمیسیت و برخی فرهنگ‌ها، نماد حامل جهان، آرامش، کندی، عقل و خرد است.

همچنین در خطوط رنگی کف مسیرها، اشکالی کوچک از اشیای طبیعی مثل صدف، برگ‌های درختان، بذرها و حشره‌های مختلف که درون شیشه‌های ویتروینی قرار گرفته‌اند، بر جنبه سمبلیک و محتوایی موزه تأکید می‌کنند. باغ بیش از اینکه تحمیل‌کننده باشد، القا بخش است و از بازدیدکننده دعوت می‌کند که در طی مسیر، با برگشت به دنیای کودکی یا تداعی تصویری از کشوری دور دست، منظر خودش را خلق کند. در واقع، مسیرهای منحنی کمتر به ورودی موزه ختم می‌شوند و بیشتر بیانی از احجام و چشم‌اندازهای متنوع به جهان پیرامون هستند.

ژیل کلمان، برای ایجاد فضایی زنده، ملایم و گذرا، باغ را در برابر شهر طراحی و با خطوط منحنی، نور و احجام بازی می‌کند. (در حقیقت مسیرها بیشتر به جریان آب آرام و سیال شبیه‌اند که منجر به هارمونی فضاها می‌شوند و برکه آب و نی‌های کنار آن، در بخش جنوبی باغ، تداعی‌کننده مناظر دور دست هستند.)

پوشش گیاهی

ژیل کلمان با هنرمندی و وسواس، از گیاهان غیر بومی برای برداشتن مرزهای میان فضاهای مختلف استفاده می‌کند و گونه‌هایی را ترجیح می‌دهد که در شرایط محیطی و



تصویر ۳: انبوه گیاهان
علفی در بخش شمالی موزه،
حالتی از مناظر طبیعی و بکر
دشت‌های وسیع آفریقا را به
یاد می‌آورد. گیاهانی که با
وزش باد به حرکت می‌آیند
مأخذ:
www.pariscotejardin.fr

انسانی و مطالعات فرهنگی
علوم انسانی





تصویر ۴: جداره شیشه‌ای
جداکننده جبهه شمالی باغ
از خیابان حاشیه رودخانه
سن / مأخذ:
www.ambafrance.cn



تصویر ۶: باغ عمودی بر
دیوار موزه / مأخذ:
www.Static.panoramio.com



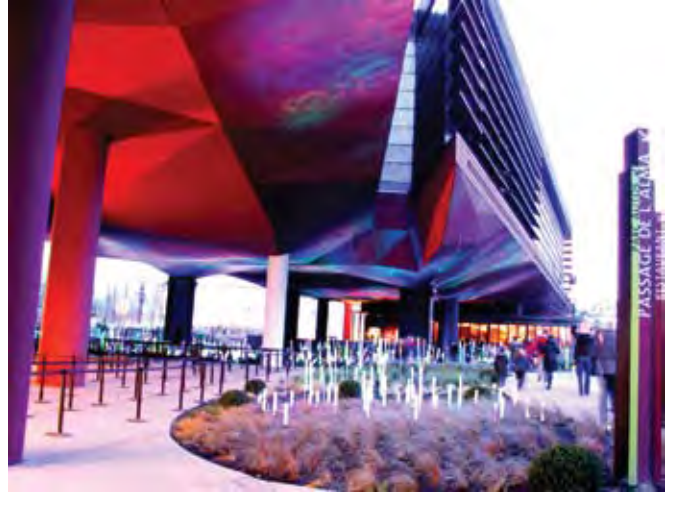
باغ موزه برانلی از آخرین کارهای ژیل کلمان در پاریس، نمونه‌ای جدید از اختصاص فضاهای باز پروژه‌های بزرگ شهری به حیات و زندگی شهر، رویکردی که در موزه پومپیدو و کتابخانه ملی فرانسه نیز قابل توجه بود، به شمار می‌رود. باغ برانلی مجموعه‌ای از ایده‌های ژیل کلمان را در خود جای داده و ژیل کلمان با تکیه بر پتانسیل‌های نهفته در گیاهان و مفاهیم نهفته در سمبل‌های طبیعی به خلق فضایی استعاری و مفهومی دست زده است و در عین حال همکاری دو طراح منظر دیگر در خلق فضاهایی سورئال بر غنای باغ موزه برانلی افزوده است. باغ برانلی به معنای واقعی در ایجاد ارتباط با موضوع و فعالیت موزه هنرهای بدوی موفق بوده است.

The Quai Branly Museum is one of Gilles Clement's latest works in Paris, displaying his idea of allocating the major part of the land to open spaces and gardens that help people communicate. This approach is also evident in the structure of the Georges Pompidou Museum and the National Library of France. The Quai Branly Museum embodies a collection of Gilles Clement's ideas. Relying on concepts lying hidden in natural symbols like plants, Clement has created a metaphorical and symbolic space. The contributions of two other landscape architects in designing the surreal areas of the museum have further enriched the structure's overall design, successfully improving the functions of the primitive arts museum.



تصویر ۵: برکه آب و بافت در هم تنیده شده از میله‌هایی به شکل نی، در کنار توده‌ای از گیاهان علفی و نی شکل مرکز موزه و فضای بیرون را شکل می‌دهد. مأخذ: www.medias.slash.fr







با بافت اطراف به عنوان عضوی از مجموعه شهری عمل می‌کند و خود تلاشی در جهت پیوندبخشی و تقویت رابطه میان فضاهای پر و خالی شهری است ■

پی‌نوشت

۱. در طراحی منظر جزء فضاهای باغ موزه برانلی در کنار ژیل کلمان دو طراح منظر دیگر نیز همکاری داشتند. از جمله "پاتریک بلان" به عنوان طراح و مجری باغ عمودی بر دیوار بیرونی موزه و "یان کارساله" به عنوان طراح و مجری باغ شب در پیلوتی موزه.

1. The building was designed by architect Jean Nouvel, however, the landscape design and the "living wall" on part of the exterior of the museum was designed and planted by Gilles Clément, Patrick Blanc and Yam Kersale.

۲. parc andré-citroën

۳. the gardens of valloires

۴. 'the gardens of l'arche à la défense

۵. Animism: آنیمیزم یک نوع پنداشت و شیوه اعتقادی عمیق است که در بسیاری از مناطق قاره آفریقا رواج داشته است. از لحاظ واژه‌شناسی به معنای جان و روان است و به معنای روح پرستی، روح پنداری، اعتقاد به ارواح و جان‌گرایی در فارسی به کار رفته است.

Patrick Blanc

Yann Kersalé

منابع

- Moireau, Fabrice, 2009, Les jardins du musée du Quai Branly, Gallimard
- Lavalou, Armelle,- Robert, Jean-Paul, 2006, Le musée du quai Branly, Moniteur
- Le moniteur, 12 jan, 2007, Un lac de lumière pour le Quai-Branly
- Le moment du Quai Branly, Le débat, numéro147, décembre 2007, Gallimard
- Manuel Orazi and Frédéric Edelmann. « Jean Nouvel. Musée du quai Branly ». domus.2006
- Le Moniteur, 23 Dec 2008, Gilles Clément, « Pour quoi un jardinier n'aurait-il pas le droit de réfléchir »

نمدهایی است که با سیستم قطره‌ای خیس می‌شوند و رطوبت را به ریشه گیاهان منتقل می‌کنند.

باغ در شب

فضای مرکزی باغ، جایی که موزه از سطح زمین ارتفاع گرفته، توسط «یان کارساله» با استفاده از مجموعه‌ای از نی‌های نورانی استوانه‌ای شکل طراحی شده است. که با ارتفاع‌های متنوع به شکل راست و مایل در سطح خاک کاشته شده‌اند و مجموعه‌ای از طیف‌های رنگی سفید، سبز و آبی را شکل می‌دهد. در کنار این «دریاچه مجازی با رنگ‌های امپرسیونیستی»، صحنه‌ای از نور و حرکت است که استعاره‌ای از سه حالت جامد، مایع و بخار آب را در یک زمان به نمایش می‌گذارد. در واقع هدایت کامپیوتری متصل به سیستم هواشناسی، رنگ غالب را بر اساس دمای خارجی تغییر می‌دهد. از سفید یخی و سفید سیال و ملایم، تا سبز گرمسیری در گرمای تابستان. به همین منظور مولدهایی با مصرف بسیار پایین انرژی که در مجموع مصرفی برابر ۱,۴ وات بر مترمربع برای کل باغ دارند. نی‌های نورانی با ایجاد فضای رمزآلودی از سایه و روشن، نمادی از یک جاگردآوردن تمدن‌ها، کاوش در تاریخ پنهان و کمتر شناخته شده جهان، بیدار کردن اسطوره‌ها و غنا بخشیدن به افسانه‌های تاریخی است.

باغ تابستانی

باغ ساحلی برانلی که جزیی از فضای موزه به حساب می‌آید، به بازدیدکنندگان در فصل تابستان این امکان را می‌دهد تا از فعالیت‌های مختلفی چون تجربه گیاهان عطری



تصویر ۷: باغ شب به صورت مجموعه‌ای از نی‌های کوتاه و بلند نورانی در زیر حجم ساختمان / مأخذ: www.farm1.static.flickr.com

از یاد رفته، آشنایی با بامبو، ساخت ابزار موسیقی و وسایل روزمره، خوش‌نویسی چینی و تجربه انواع حرکات موزون هندی و آفریقایی در فضای باز بهره‌مند شوند. همچنین بازدیدکنندگان برای آشنایی با سمبل‌ها و فرم‌های طراحی شده باغ، بازدیدی رایگان داشته باشند که خود در زنده‌سازی فضا نقش بسزایی ایفا می‌کند. در عین حال، مجموعه تئاتر روباز در بخش میانی سایت و گره‌هایی در مجموعه باغ برای گردهمایی و فعالیت‌های مختلف نیز پیش‌بینی شده است.

نتیجه‌گیری

فارغ از انتقادات و نکاتی که به ساخت شتاب‌زده موزه برانلی و اهداف و نحوه عملکرد آن مطرح شده، این مجموعه با گشودن فضایی زنده و متفاوت به روی عموم میهمانان در قلب شهر پاریس، که خود مرکز چندین موزه هنری بزرگ دنیاست، به حیات خود ادامه می‌دهد. انتقال هدف موزه یعنی نمایش هنرهای بدوی از فضای داخل به فضای خارج، به بازدیدکنندگان و همچنین رهگذران امکان سفر به سرزمین‌های دیگر و تجربه موزه‌ای زنده در طبیعت را می‌دهد که در راستای اهداف عملکردی و نمایشی موزه شکل گرفته است. نکته حائز اهمیت باغ، طراحی منظر آن است که از ابتدا به عنوان بخشی از معماری موزه و نه به عنوان بخش فرعی و برجامانده سایت؛ آن چنانکه بر شکل نهایی موزه که همانند پلی در مجموعه باغ نشانده شده، تأثیر گذاشته است. از طرف دیگر باغ ساحلی برانلی به عنوان پارک عمومی با محوریت اندک و ارتباط مؤثر